مجله علمی پژوهش درمدیریت ومطالعات اجتماعی، شماره ۳۰ ، زمستان ۱۴۰۱، ص ۲۵-۱۳
http://www.jmss.ir

مجله علمی پژوهش درمدیریت ومطالعات اجتماعی (سال هشتم)
شماره ۳۰ / زمستان ۱۴۰۱ / ص ۲۵-۱۳

جایگاه حق آموزش در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بین المللی اسلامی

دکتر عادل علی‌پور[1] ، دکتر جمال معمر حور

[1] دکترای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه خوارزمی تهران

[1] دکترای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تهران

نام نویسنده مسئول:
دکتر عادل علی پور

چکیده:

حق آموزش از حقوق اولیه بشری است که فارغ از زمان و مکان و مسائلی از قبیل جنسیت، زبان، نژاد، دین و قومیت می بایست در مورد تمام اشخاصی که متولد می‌شوند و تا زمانی که می‌میرند ادامه یابد. در حقوق اسلام؛ حق بر آموزش مورد تأکید قرآن، روایات و احادیث ائمه اطهار مورد است و با تعهدات دولت‌ها در زمینه حمایت از آموزش و تداوم آن که موجبات تعالی و رشد جامعه است با مقررات حقوق بشری در خصوص تکلیف بر آموزش همگانی منافات ندارد. نظریات فقهی بیانگر آن است که حق آموزش و تعلیم و تربیت ابتدا وظیفه اصلی خانواده‌ها و دولت‌های حاکم در هر عصری است و دانش و دانایی تنها ممیز انسان از غیر انسان است که حقوق بین‌الملل بشر به حفظ این حق اولیه بشری به شکل قوانین موضوعه جدید تأکید مضاعف نموده ولی هنوز از ضمانت اجرای کافی برخوردار نیست و بایستی به شکل اجباری مورد همت و تلاش همگان قرار گیرد.

کلمات کلیدی: حق بر آموزش، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ، اسناد حقوق بین‌المللی اسلامی.

مقدمه

حق آموزش حقی جهان‌شمول برای آموزش است. این حق در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان یک حقوق بشر که شامل حق آموزش ابتدایی اجباری رایگان برای همه، الزام ایجاد آموزش متوسطه در دسترس همه، خصوصاً ارائه مترقی آموزش متوسط رایگان و نیز الزام ایجاد دسترسی مساوی به آموزش عالی، به طور ایده‌آل از طریق ارائه آموزش عالی رایگان می‌شود. حق آموزش شامل مسئولیت فراهم آوری آموزش مقدماتی برای افرادی است که آموزش ابتدایی را نگذرانده‌اند. علاوه بر این دسترسی به ملاحظات آموزشی، حق آموزش در بر دارنده الزام به محو تبعیض در همه سطوح نظام آموزشی و بهبود کیفیت آموزش است. حق آموزش یک از حق‌های بنیادین بشری است و مستقل از حقوق دیگر مورد توجه و تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. لکن، تحلیل و توجه دقیق به آن مستلزم تبیین جایگاه ویژه حق آموزش در میان حقوق دیگر و ارتباط با حق‌های بنیادین بشری می‌باشد. هم چنین، اگرچه همه حق‌های بنیادین از همبستگی و پیوستگی برخوردارند و تقسیم‌بندی و تفکیک آن‌ها برای تسهیل در امر مطالعه، بررسی امور اجرایی و تقنینی است، لکن، برخی از این حق‌ها (مانند آزادی بیان، حق بر آگاهی، حق بر توسعه، حقوق صلح و امنیت بین‌المللی) با حق آموزش ارتباط بیشتر و دوسویه داشته و تحقق، اجرا و اعمال هر یک مستلزم تحقق، اجرا و اعمال دیگری است (فلسفی، ۱۳۹۵: ۱۸). با توجه به این‌که افراد برای شکوفایی و رشد استعدادهای خود به آموزش‌وپرورش و تعلیم و تربیت نیاز دارند لذا می‌توان آن را به‌حق بر انسان بودن نیز تعبیر کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با الهام از آموزه‌ها و تعالیم دین مبین اسلام و همسویی با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق بر آموزش را به‌عنوان حقوق فردی و حقوق اجتماعی- شهروندی برای ملت ایران به رسمیت شناخته است. در قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌های متعددی نیز حق بر آموزش مورد تأکید قرار گرفته است. با عنایت به افزایش نرخ پوشش تحصیلی در سطح کشور، تحقق حق بر آموزش در جامعه نسبت به گذشته از وضعیت خوبی برخوردار است؛ اما با وجود برخی مشکلات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی همچنان در جامعه و به‌ویژه در مناطق محروم افرادی زندگی می‌کنند که از نعمت سواد خواندن و نوشتن محروم هستند و از حق بر آموزش خود بی‌بهره‌اند که متولیان امر آموزش‌وپرورش می‌توانند با توسعه کمی و کیفی پوشش تحصیلی در سطح کشور در احقاق حق بر آموزش این‌گونه افراد اقدام نمایند؛ بنابراین می‌توان گفت با توسعه کمی و کیفی پوشش تحصیلی حق بر آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسعه می‌یابد.

حق آموزش در اسلام

پیش از نزول قرآن کریم و ظهور اسلام تبعیض آموزشی در جامعه حکمفرما بوده و آموزش‌وپرورش در انحصار طبقه‌ی اعیان و اشراف و شاهزادگان بود و طبقات دیگر جامعه، که قسمت اعظم جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، از نعمت تحصیل و تربیت در آموزشگاه‌ها محروم بودند. هیچ‌کس حق نداشت پا را از محدوده وراثت و مرزی که نظام طبقاتی برایش تعیین کرده بود فراتر نهد. در سرزمین عربستان نیز کمتر نشانی از آموزش و فرهنگ وجود دارد، زیرا بیشتر اعراب عصر جاهلی بیابان‌گرد و صحرانشین بودند و خدایی جز بت نداشتند به همین دلیل آنان را قبل از بعثت پیامبر (ص) عرب جاهلی و عصر قبل از اسلام را دوره جاهلیت می‌نامیدند (اعزازی کوهساری، ۱۳۹۴).

با ظهور اسلام در عربستان در آستانه قرن هفتم میلادی، دفتر تعلیم و تربیت به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد. اولین آیات وحی الهی بر پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل گردید و با خطاب مبارک «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَرَبُّکَ الْأَکْرَمُ، الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ» (علق، آیه ۵-۱)؛ (بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید ...)، منشأ الهی گرفت. در همین آیات اولیه، نخستین سند مدون تعلیم و تربیت اسلامی، بر دو عنصر تعلیم و تربیت؛ یعنی کسب دانش و معرفت از یک‌سو و تعالی روح کمال انسانی از سوی دیگر، تأکید می‌شود.

قرآن نه‌تنها بهترین وسیله تکامل انسان را پیمودن مسیر تفکر، تعقل، تدبر و علم می‌داند، بلکه فلسفه وجودی ادیان آسمانی و رسالت انبیا و همچنین یکی از اهداف و انگیزه‌های بعثت رسول اکرم (ص) را تعلیم و تربیت شمرده و در آیه ۱۵۱ سوره بقره می‌فرماید: « کَما أَرْسَلْنا فِیکُمْ رَسُولًا مِنْکُمْ یَتْلُوا عَلَیْکُمْ آیاتِنا وَ یُزَکِّیکُمْ وَ یُعَلِّمُکُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ یُعَلِّمُکُمْ ما لَمْ تَکُونُوا تَعْلَمُونَ.» (همانگونه (که برای هدایت شما) رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شمارا تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه نمی‌توانستید بدانید، به شما یاد دهد.)

همچنین در آیه دوم سوره جمعه در این باره می‌فرماید: « هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَإِنْ کَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُبِینٍ» (اوست خدایی که میان عرب امّی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می‌کند و آن‌ها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک می‌سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می‌آموزد و همانا پیش‌ازاین همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند.)

بنابراین می‌توان گفت با ظهور اسلام، انسان‌ها کرامت و ارزش خود را باز یافتند و طبقات اجتماعی از بین رفت و اسلام همه افراد را بدون در نظر گرفتن طبقه اجتماعی، رنگ، نژاد و جنسیت، به تحصیل علم فرا خواند.

حق آموزش و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع)

علاوه بر قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز با پیروی از قرآن کریم و با توجه به اهمیت علم و دانش در پیشرفت جامعه اسلامی، مسلمانان را به آموختن علم و دانش فرا خواندند و حتی خودشان برای مسلمانان کلاس درس تشکیل می‌دادند. اهمیت سوادآموزی آن‌قدر برای مسلمانان بیشتر بود که «پیغمبر اسلام (ص) به عده‌ای از اسیران باسواد مکه – که مسلمین در جنگ بدر بر آن‌ها غالب گشتند – تکلیف نمود تا هر یک از آن‌ها، ده کودک مسلمان را خواندن و نوشتن بیاموزند و سپس آزاد گردند. این سنت، یعنی تعلیم خواندن و نوشتن به کودکان ادامه یافت و آن‌چنان در بلاد اسلامی انتشار پیدا کرد که دیری نپایید که افراد باسواد، در ممالک اسلامی رو به فزونی نهاد؛ و نیز رسول اکرم (ص) فرمود: کسب علم بر هر مسلمانی واجب است. پیامبر اسلام (ص) مردم را به کسب دانش و بحث و مذاکره‌ی در آن تحریص فرمود. اگرچه مسلمان مجبور باشند در این راه مسافت‌های دورودرازی را طی کند و برای نیل به علم و دانش، بیشتر عمرش منقضی گردد (اعزازی کوهساری، ۱۳۹۴).

حق آموزش در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

طبق ماده ۱۰۴ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵؛ بند ۳ اصل سوم و اصل سی‌ام قانون اساسی ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش‌وپرورش– مصوب ۱۳۶۶- اساسنامه نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران – مصوب ۱۳۶۳ – قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری – مصوب ۱۳۸۳، شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به‌طور رایگان گسترش می‌دهد. دولت آموزش پایه را برای افراد فاقد آموزش ابتدایی فراهم می‌آورد.

طبق ماده ۱۰۵ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵؛ و اصل نوزدهم قانون اساسی، سند نقشه جامع علمی کشور مصوب ۱۳۸۹- شورای عالی انقلاب فرهنگی،سند راهبردی کشور در امور نخبگان – مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، همه استادان و دانشجویان حق بهره‌مندی از مزایای آموزشی و پژوهشی از جمله ارتقاء را دارند. اعطای تسهیلات و حمایت‌های علمی از جمله فرصت مطالعاتی، بورسیه و غیره صرفاً باید بر اساس توانمندی‌های علمی، شایستگی، فارغ از گرایش‌های جناحی و حزبی و مانند این‌ها باشد.

طبق ماده ۱۰۶ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵؛ و اصول بیست و سوم و بیست و ششم قانون اساسی. سند نقشه جامع علمی کشور – مصوب ۱۳۸۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی، قانون اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۲، جوامع علمی، حوزوی و دانشگاهی از آزادی و استقلال علمی برخوردارند، استادان، طلاب و دانشجویان در اظهار نظر آزادند و آن‌ها را نمی‌توان به‌صرف داشتن یا ابراز عقیده در محیط‌های علمی مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد یا از تدریس و تحصیل محروم کرد. اساتید و دانشجویان حق دارند نسبت به تأسیس تشکل‌های صنفی، سیاسی، اجتماعی، علمی و غیره و فعالیت در آن‌ها اقدام کنند.

طبق ماده ۱۰۷ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵؛ بندهای ۶ و ۷ اصل سوم، اصل بیست و سوم و سی و پنجم قانون اساسی، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری – مصوب ۱۳۸۳ دانشگاه باید مکانی امن برای استادان و دانشجویان باشد. مسئولان دانشگاه باید برای تضمین امنیت دانشجویان اهتمام جدی ورزند. رسیدگی به تخلفات انضباطی دانشجویان باید با رعایت حق دادخواهی، اصول دادرسی منصفانه و دسترسی به مراجع صالح مستقل و بی‌طرف و با رعایت حق دفاع و تجدیدنظرخواهی، در حداقل زمان و بدون تأخیر، مطابق با مقررات انجام شود.

طبق ماده ۱۰۸ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵؛ سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش– مصوب ۱۳۹۰- شورای عالی انقلاب فرهنگی، ماده ۲۹ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک – مصوب ۱۳۷۲، حق دانش‌آموزان است که از آموزش‌وپرورشی برخوردار باشند که منجر به شکوفایی شخصیت، استعدادها و توانائی‌های ذهنی و جسمی و احترام به والدین و حقوق دیگران، هویت فرهنگی، ارزش‌های دینی و ملی شود و آن‌ها را برای داشتن زندگی اخلاقی و مسئولانه توأم با تفاهم، مسالمت، مدارا و مروت، انصاف، نظم و انضباط، برابری و دوستی بین مردم و احترام به محیط‌زیست و میراث فرهنگی آماده کند.

طبق ماده ۱۰۹ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵؛ و جزء ۹-۳ راهبردهای ملی مصوبه نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مواد ۱۲ و ۲۹ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک – مصوب ۱۳۷۲، حق دانش آموزان است که شخصیت و کرامت آنان مورداحترام قرار گیرد. نظرات کودکان در مسائل مربوط به زندگی‌شان باید شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد.

طبق ماده ۱۱۰ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵؛ ماده ۶ قانون مطبوعات- مصوب ۱۳۶۴، ماده ۸ قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۱، مواد ۲۸ و ۲۹ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک – بند (ج) مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص اصلاح «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب»- مصوب ۱۳۸۹، هیچ‌کس

حق ندارد موجب شکل‌گیری تنفرهای قومی، مذهبی و سیاسی در ذهن کودکان شود یا خشونت نسبت به یک نژاد یا مذهب خاص را از طریق آموزش یا تربیت یا رسانه‌های جمعی در ذهن کودکان ایجاد کند.

طبق منشور حقوق شهروندی ماده ۱۱۱ مصوب ۱۳۹۵؛ اصول یازدهم، بیستم و بیست و نهم قانون اساسی، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان – مصوب ۱۳۸۷ – قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت – مصوب ۱۳۸۷، توان‌خواهان باید به‌تناسب توانایی از فرصت و امکان تحصیل و کسب مهارت برخوردار باشند و معلولیت نباید موجب محرومیت از حق تحصیل دانش و مهارت‌های شغلی شود.

حق آموزش به‌مثابه حقوق فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق بشری است که به تمام انسان‌ها تعلق دارد و در اسناد بین‌المللی گوناگون در سطح جهانی و منطقه‌ای شناسایی‌شده است و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با الهام از آموزه‌ها و تعالیم دین مبین اسلام و همسویی با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، حق آموزش را به‌عنوان حقوق فردی و حقوق اجتماعی شهروندی برای ملت ایران به رسمیت شناخته‌شده است ولی ازآنجایی‌که قانون اساسی در خصوص موضوع مورد بحث در حکم اساسنامه راهبرد و اعلامیه حقوق است؛ لذا این اصول باید در فرآیند قانون‌گذاری عادی مورد توجه قرار گرفته و موضوعیت یافته و دارای ضمانت اجرایی شده تا زمینه اجرایی و فعلیت یافتن تمامی این حقوق در کشور فراهم گردد به‌گونه‌ای که این حقوق بنیادین مذکور در قانون اساسی در باب تحکیم بنیان‌های آموزشی در عمل توسط شهروندان لمس گردد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل حق بر آموزش‌وپرورش در اصول قانون اساسی به‌وضوح بیان گردیده است و آنچه از مضمون کلام تدوین‌کنندگان قانون اساسی بر می‌آید حق آموزش را به‌عنوان حقوق ملت مورد تأکید قرار داده‌اند. اصل سوم قانون اساسی همه نیازها و اهداف مردم و نظام را از جنبه‌های فردی و اجتماعی، داخلی و خارجی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی به‌صورت وسیع ترسیم نموده است. بند سوم این اصل مربوط به‌حق بر آموزش می‌باشد. در اصل پانزدهم قانون اساسی به حق بر آموزش اقوام ایرانی به‌طور جداگانه اشاره شده است که مقرر داشته: «... استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است». هم‌چنین در اصل سی‌ام قانون اساسی در خصوص حق بر آموزش تصریحاً آمده است: «دولت موظف است وسایل آموزش‌وپرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». بند ۱ از اصل چهل و سوم نیز، آموزش‌وپرورش را جزء نیازهای اساسی بشر دانسته و یکی از نتایج پایداری اقتصاد در کشور را تأمین مناسب آموزش‌وپرورش برای همگان معرفی کرده است (توحیدی، ۱۳۸۵: ۱۵۶).

حق آموزش و مقدمه قانون اساسی

هرچند در مقدمه قانون اساسی صراحتاً از حق بر آموزش سخنی به میان نیامده ولی با توجه به مطالب بیان‌شده در آن می‌توان به تأثیر حق بر آموزش در تحقق اهداف مندرج در آن پی برد. از جمله اهداف مورد اشاره می‌توان به بنای جامعه نمونه، پرورش انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی و همچنین استیفای حقوق زنان اشاره نمود (اعزازی کوهساره، ۱۳۹۴: ۶۳).

حق آموزش و فصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مربوط به اصول کلی قانون اساسی می‌باشد در اصل سوم خود همه نیازها و اهداف مردم و نظام را از جنبه‌های فردی و اجتماعی، داخلی و خارجی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به‌صورت وسیع ترسیم نموده است. بند سوم این اصل مربوط به‌حق بر آموزش می‌باشد که در آن مقرر داشته دولت موظف است همه امکانات خود را در مورد «آموزش‌وپرورش و تربیت‌بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» به کار برد. با توجه به اصل سوم قانون اساسی می توان گفت آموزش و پرورش یکی از نیازهای ضروری و اساسی هر فرد ایرانی است که با لحاظ نمودن بند ۹ همین اصل دولت بایستی در جهت تحقق این حق فردی امکانات را برای همه به طور عادلانه ایجاد و هرگونه تبعیضات ناروا را رفع نماید؛ بنابراین با توجه به اهمیت آموزش‌وپرورش در جهان امروزی که به‌نوعی می‌توان گفت سرنوشت افراد را رقم می‌زند و در تمام جوانب زندگی انسان تأثیر می‌گذارد، دولت موظف است نسبت به تحقق این حق اساسی افراد اقدام نموده و امکانات لازم را به‌طور عادلانه در اختیار همگان قرار دهد تا افراد بتوانند با برخورداری از حق بر آموزش با توجه به توانایی‌ها و استعدادهای خود در تعیین سرنوشت خود سهیم باشند. اگرچه برابر اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی، دین رسمی جمهوری اسلامی ایران، اسلام معرفی‌شده است و زرتشتیان و کلیمیان و مسیحیان تنها اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی هستند، اما باید به خاطر داشته باشیم که حکم این دو اصل ناظر به انجام مراسم دینی و احوال شخصیه و تعلیمات دینی مختص به آنان است و نافی حق آموزش معتقدان سایر ادیان دیگر نمی‌باشد و مطابق اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مسلمانان موظف‌اند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را – از جمله حق آموزش – رعایت نمایند و هر مصوبه یا قانونی که خلاف امر را مقرر بدارد خلاف قانون اساسی و ناقض آن ارزیابی می‌شود و از آنجا که قانون اساسی هر کشور – که میثاق مشترک یک ملت محسوب می‌شود – در رأس هرم قرار می‌گیرد لذا هیچ قانون یا مصوبه‌ای نمی‌تواند خلاف قانون اساسی باشد (اصل ۷۳ قانون اساسی).

آنچه در خصوص حق بر آموزش در اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی می‌تواند مطرح شود این است که علاوه بر به رسمیت شناختن حق بر آموزش پیروان سایر مذاهب و اقلیت‌های دینی، حق بر آموزش تعلیمات دینی این افراد را نیز (که یکی از حقوق انسانی ایشان مورد اشاره در اصل چهاردهم قانون اساسی می‌تواند مطرح شود) به رسمیت شناخته‌شده که می‌توان گفت این موضوع از نقاط قوت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اهمیت دادن به حقوق فردی سایر مذاهب و اقلیت‌های دینی در زمینه حق بر آموزش می‌باشد (اعزازی کوهساره، ۱۳۹۴: ۶۶).

حق آموزش و فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مربوط به حقوق ملت می‌باشد در اصل سی‌ام به‌حق بر آموزش تأکید نموده و بیان می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش‌وپرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». این اصل یکی از مهم‌ترین اصول قانون اساسی است که به حق بر آموزش ملت ایران به‌صراحت اشاره نموده است. (اعزازی کوهساره، ۱۳۹۴: ۶۷).

آموزش‌وپرورش همگانی

آنچه در این اصل و بند سوم اصل سوم قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته به رسمیت شناختن حق بر آموزش برای همه افراد ملت ایران است که در این راستا اصل نوزدهم قانون اساسی به حقوق مساوی مردم ایران تأکید داشته و مقرر می‌دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». همچنین اصل بیستم قانون اساسی بیان می‌دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند» (همان: ۶۸).

در خصوص برخورداری همگان از آموزش‌وپرورش در سطح جهانی، یک نکته قابل توجه است و آن این‌که آژانس تخصصی سازمان ملل متحد یعنی یونسکو بیش از شش دهه است با برنامه‌ریزی‌های متعدد و هم‌چنین برگزاری همایش‌ها و گردهمایی‌ها از جمله «برنامه آموزش برای همه» سعی نموده که همه افراد بشر از این حق طبیعی بهره‌مند گردند؛ اما قابل‌تأمل این است که در مواردی این حق اساسی و طبیعی ملت‌ها مورد تحدید قرار می‌گیرد و کشورهای قدرتمند از دست‌یابی سایر کشورها به برخی از علوم و فنون که منجر به رشد اقتصادی و صنعتی آن‌ها می‌شود با اعمال تحریم‌های متعدد جلوگیری می‌کنند، از جمله می‌توان به بند ۱۷ قطعنامه شماره ۱۷۳۷ مصوب دوم آذرماه ۱۳۸۵ شورای امنیت سازمان ملل اشاره نمود که از همه کشورها خواسته‌شده از پذیرش دانشجویان ایرانی و آموزش اتباع ایرانی در سرزمینشان یا توسط اتباعشان در حوزه‌هایی که به فعالیت‌های حساس هسته‌ای ایران و تولید سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای کمک می‌کند خودداری کنند. حال با در نظر گرفتن این‌که ایران اعلام می‌کند هیچ‌گونه فعالیت غیر صلح‌آمیز از علوم هسته‌ای نمی‌کند و از طرفی خود این کشورها از دست‌یابی به هرگونه علم و فن‌آوری و تکنولوژی در جهت ساخت و تولید انواع بمب‌های هسته‌ای و تسلیحات نظامی دریغ نمی‌ورزند، به نظر می‌رسد این عمل دوگانه آن‌ها موجب تضییع حق بر آموزش ملت‌ها، به‌ویژه ملت ایران می‌شود و این موضوع با موازین بین‌المللی، منشور جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل مغایرت دارد (همان: ۶۹).

حق آموزش به‌مثابه حقوق اجتماعی – شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

حقوق اجتماعی – شهروندی مجموعه حقوقی است که به شهروندان یک کشور با ملحوظ داشتن کرامت انسانی و منع تبعیض در جهت رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان تعلق می‌گیرد. با توجه به این‌که در حقوق اجتماعی – شهروندی تعهدات مقابل ملت و دولت مطرح است و در قانون اساسی نیز در زمینه حق بر آموزش شهروندان تعهداتی بر دوش دولت نهاده شده است (اعزازی کوهساره، ۱۳۹۴: ۷۵).

حق آموزش در سند ۲۰۳۰

رهبران کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در سپتامبر ۲۰۱۵ در اجلاس عالی‌رتبهٔ این سازمان متعهد شدند تا اهداف دستور کار جهانی توسعهٔ پایدار ۲۰۳۰ را که نتیجهٔ یک فرآیند گستردهٔ مشورتی در سطح جهانی بود، در سیاست‌گذاری کلان ملّی خود از اول ژانویهٔ ۲۰۱۶ مدنظر داشته باشند. این دستور کار، دارای ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است. آموزش که هدف چهارم این دستور کار است، در تحقّق کلیهٔ اهداف این دستور کار، به طور مستقیم (اهداف ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۲ و ۱۳) و غیرمستقیم (بقیهٔ اهداف) نقش اصلی و محوری را بر عهده دارد. در نشستی که در خردادماه سال جاری با حضور دبیران کل کمیسیون‌های ملّی بیش از یک‌صد و سی کشور و معاونان ذی‌ربط سازمان یونسکو در شهر شانگ‌های کشور چین برگزار شد، هدف چهارم به‌اتفاق آرا به‌عنوان اولویت اول دستور کار جهانی ۲۰۳۰ شناخته شد و تأکید گردید که آموزش نه‌تنها به هدف چهارم محدود نمی‌شود، بلکه لازم است به‌عنوان اساس موفقیت سایر اهداف توسعهٔ پایدار مورد توجه قرار گیرد.

از آنجائی که سازمان یونسکو به عنوان یک نهاد بین‌المللی موفق در امر آموزش شناخته می‌شود، اجرای هدف چهارم توسعهٔ پایدار ۲۰۳۰ با عنوان «به‌سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه» به عهدهٔ این سازمان نهاده شده است و سازمان مذکور با

ایفای سه نقش هدایت و هماهنگی، نظارت و گزارش دهی و ارتقای ظرفیت کارشناسی دولت‌ها، اجرای این هدف مهم را پس از تصویب نهائی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در سی و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در نوامبر ۲۰۱۵، آغاز کرده است.

اینک سازمان یونسکو و کلیهٔ عاملان جامعهٔ بین‌المللی، کارشناسان و ذینفعان جهان، تجربهٔ اجرای اهداف شش‌گانهٔ برنامهٔ آموزش برای همه (۲۰۱۵-۲۰۰۰) را دارند و به همین دلیل توصیه‌های مکرر این سازمان بر جلب مشارکت کلیهٔ شرکاء در یک رویکرد فرابخشی، اعم از نهادهای رسمی و غیررسمی، دولتی و خصوصی است.

نکتهٔ قابل‌توجه دیگر این است که آموزش فراگیر در چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰، به‌مراتب دامنه‌ای گسترده‌تر و تکالیفی وسیع‌تر از برنامهٔ آموزش برای همه دارد و علاوه بر حوزه‌های ناتمام آموزش برای همه، حوزه‌های دیگر آموزش از جمله: اشتغال و توسعهٔ مهارت‌ها، آموزش فنّی- حرفه‌ای، آموزش عالی، آموزش سلامت و بهداشت، آموزش‌های اجتماعی و شهروندی را نیز در بر می‌گیرد تا فرآیند گذار به‌سوی جوامع یادگیرنده و دانش‌بنیان با کمترین مشکل صورت پذیرد. با وجود این شرایط، روشن است که وزارت آموزش‌وپرورش به‌تنهایی نمی‌تواند از عهدهٔ انجام این تکالیف برآید. به همین دلیل، از نهادهای ذی‌ربط جهانی مثل یونسکو، یونیسف، برنامهٔ توسعهٔ ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد و بانک جهانی و نهادهای ملّی ذیربط در سطح هر کشور انتظار می‌رود که در تحقّق هدف چهارم و اهداف ویژهٔ دستور کار توسعهٔ پایدار ۲۰۳۰ پایمردی و اهتمام ورزند.

کمیسیون ملّی یونسکو ایران که مطابق با بند ۷ اساسنامهٔ سازمان یونسکو، نهاد متولی اجرای چارچوب عمل‌های جهانی در ایران است، از بدو فرآیند تهیه و نهائی سازی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در یونسکو، در خصوص محتوای این سند مشورت‌های گستردهٔ ملّی را با نهادهای ذیربط، متخصّصان و صاحب‌نظران ارشد و نیز کمیته‌های ملّی تخصّصی به‌منظور جمع‌بندی نقطه نظرات جمهوری اسلامی ایران به عمل آورد و بدین ترتیب دیدگاه‌های کشورمان را در زمینهٔ چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰، از طریق نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در یونسکو به دبیرخانهٔ اسپک ارائه کرد.

پس از تصویب نهائی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در یونسکو در نوامبر ۲۰۱۵، کمیسیون ملّی یونسکو بر اساس رهنمودهای فنّی که از سوی یونسکو برای هدایت چارچوب عمل در سطح ملّی دریافت کرد، ضمن طرح موضوع در کمیته‌های آموزش عالی و آموزش و توسعهٔ پایدار، گروه آموزش این کمیسیون که اعضای آن‌ها از متخصّصان برجستهٔ علمی و آموزشی کشور و نمایندگان وزارتخانه های آموزش‌وپرورش؛ علوم، تحقیقات و فناوری؛ بهداشت درمان و آموزش پزشکی؛ تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، رؤسای دانشگاه‌های فرهنگیان، فنّی حرفه‌ای و علمی کاربردی هستند، تهیهٔ سند ملّی آموزش ۲۰۳۰ را در دستور کار خود قرار داد. بر این اساس، قرار شد که تعداد ۳۰ کارگروه ملّی تشکیل شود تا مطابق با شرح وظایف سازمانی خود، مسئولیت تهیهٔ سند آموزش ۲۰۳۰ را بر عهده گیرند.

به‌موازات تهیهٔ سند ملّی آموزش ۲۰۳۰ توسط کمیسیون ملّی یونسکو، طرح تشکیل کارگروه ملّی اجرای آموزش ۲۰۳۰، در سه جلسهٔ متوالی کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری دولت به ریاست وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری و با حضور برخی از اعضای محترم دولت از جمله: وزیران محترم آموزش‌وپرورش، صنعت و معدن، معاون محترم علمی و فناوری ریاست جمهوری، معاون آموزشی، پژوهشی و فرهنگی سازمان برنامه‌وبودجه، ریاست محترم سازمان انرژی اتمی ایران، ریاست محترم سازمان حفاظت محیط‌زیست و برخی از معاونان ذی‌ربط وزارتخانه‌ها و دبیر کل کمیسیون ملّی یونسکو مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نهایتاً به تصویب هیأت دولت رسید.

اهداف چهارم سند ملی آموزش ۲۰۳۰

- تضمین کیفیت آموزش فراگیر و عادلانه و ایجاد فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه.
- تضمین آموزش رایگان همگانی تا دیپلم به‌صورت رایگان و دسترسی به آموزش‌های پیش‌دبستانی.
- توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
- دسترسی عمومی به تحصیلات دانشگاهی.
- ریشه‌کنی نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و تضمین دسترسی برابر به همه مقاطع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای برای اقشار آسیب‌پذیر از جمله معلولان، افراد بومی و کودکانی که در شرایط آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند و یا خود آسیب‌پذیر هستند.
- آموزش سواد به بزرگسالان.
- تضمین این‌که همه فراگیران به دانش و مهارت‌های لازم برای ترویج توسعه پایدار دست یابند به‌ویژه از طریق آموزش برای توسعه پایدار و آموزش و ترویج شیوه‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگ در تحقق توسعه پایدار.
- بروز رسانی امکانات آموزشی و تأمین فضاهای دور از خشونت برای آموزش.
- افزایش تعداد بورس‌های اعطایی در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و فناوری اطلاعات و مهندسی و علمی.

- افزایش قابل‌ملاحظه تأمین معلمان.

حق آموزش زنان

طبق ماده ۳ منشور حقوق فرهنگی مصوب ۱۳۹۵؛ اصول ده و بیست و یکم قانون اساسی، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران – مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی – سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان – مصوب ۱۳۸۶ – شورای انقلاب فرهنگی؛ حق زنان است که از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب و آموزش و مشاوره‌های مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی به‌خصوص دوران بارداری، زایمان، پس از زایمان و در شرایط بیماری، فقر یا معلولیت، برخوردار باشند. هم‌چنین حق همه شهروندان به‌ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، دسترسی داشته باشند.

با توجه به ستمی که در نظام طاغوتی علیه زنان صورت گرفته بود، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی در مقدمه خود تحت عنوان زن در قانون اساسی به استیفای حقوق و ارزش و کرامت زنان اشاره نموده و بیان می‌دارد: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه‌ی خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهند بود ...» یکی از اساسی‌ترین حقوق زن که می‌تواند در رشد و تعالی وی هم از جنبه مادی و هم از جنبه معنوی نقش به سزایی داشته باشد حق بر آموزش است. حق بر آموزش از حقوق ذاتی هر فرد است که هم زن و هم مرد در آن مشترک هستند و هیچ‌یک را امتیازی بر دیگری نیست و در هیچ قانون و یا سندی نیامده است که بگوید این حق مختص به یکی از این دو مخلوق است و دیگری از آن محروم می‌باشد. طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده آموزش دختران، بهترین امیدها را برای از بین بردن چرخه‌ی محرومیت زنان عرضه می‌دارد. تحصیل بیشتر، درآمد زنان و مردان هر دو را افزایش می‌دهد؛ اما آموزش دختران، قواعد اجتماعی گسترده‌تر در پی دارد. دانش‌آموختگی زنان، به دلیل ایجاد درآمد افزون‌تر و نفوذ بیشتر آنان در خانواده و نیز آثار مستقیم دانایی و آگاهی ایشان، تأثیرات اجتماعی شگرفی در پی خواهد داشت. او می‌تواند فرزند کمتر، ولی سالم‌تری داشته باشد و مراقب پیشرفت آنان با تضمین موقعیت برابر دختران و پسران نیز باشد. آموزش دختران، احتمال آموزش و سلامت فرزندان آنان را نیز بیشتر می‌کند. این‌گونه است که دوری نامیمون به دوری مبارک بدل می‌گردد (اعزازی کوهساره، ۱۳۹۴: ۶۴).

علم ثابت کرده است که سطح آموزش و تحصیل یک مادر، به عنوان انگیزه‌ای برای فرزندان وی عمل می‌کند. مبارزه و رسیدن به حداقل سطح آموزش و تحصیل مادر انگیزه‌ی مهمی است. ثابت شده است که ارتباط میان سطح آموزش مادر و فرزندان، بسیار کارآمدتر و مؤثرتر از ارتباطی است که میان تحصیلات پدر و فرزندان وجود دارد. اگر فرزندان همیشه آرزو داشته باشند، به سطح تحصیلات مادرشان برسند یا از آن هم بیشتر روند، ممکن است کلید رفع فقر را از طریق آموزش بزرگسالان و در درجه‌ی اول مادران جستجو کنیم. اگر موفق شویم، ده تا بیست درصد از مادران را در یک کشور باسواد کنیم، مطمئن خواهیم شد که باسوادی فرزندان آن‌ها افزایش می‌یابد (همان: ۶۵).

اکنون معلوم شده است که با آموزش یک پسر، یک فرد تحصیل‌کرده خواهیم داشت، اما از طریق آموزش یک دختر یک ملت تحصیل‌کرده خواهیم داشت. در ضمن یک مادر باسواد، خانواده‌ی سالم‌تری را می‌تواند هدایت کند. او نه‌تنها نسبت به تغذیه‌ی فرزندان، علم و آگاهی پیدا می‌کند، بلکه از وقایع و اتفاقات غیر منتظره‌ی مربوط به بهداشت و سلامت نیز آگاه می‌شود. هم‌چنین، شاخص باسوادی زنان، موجبات کاهش مرگ‌ومیر اطفال و مادران را فراهم می‌آورد. به دنبال باسواد شدن زنان، بسیاری از خرافات نیز در ارتباط با بیماری‌ها و... از میان می‌رود (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۸).

اساس و بنیان توسعه بر دانش و صنعت است و افراد جامعه در صورت عدم برخورداری از دانش و آگاهی لازم، امکان دسترسی به علوم و فنون و تکنولوژی مورد نیاز برای رشد و پیشرفت را پیدا نخواهند کرد. نقش‌آفرینی زنان در فرآیند توسعه منوط به آن است که خود را به سلاح علم، دانش، آگاهی و بصیرت لازم برای درک واقعیت‌های جامعه و حقیقت‌های هستی مزین نمایند. در غیر این صورت به یک ابزار منفعل مبدل خواهند شد. به‌عبارت‌دیگر زنان تنها بهره‌مند شوندگان از مواهب توسعه نیستند، بلکه در فرآیند توسعه به‌عنوان عاملان و ایجادکنندگان آن به شمار می‌روند. افزایش بهره‌وری نیروی کار زنان از طریق آموزش‌های مهارت زا، تسهیل دسترسی آن‌ها به منابع مورد نیاز و دگرگونی در باورهای زنان نسبت به توانایی‌های خود، همگی تضمینی در جهت مشارکت سازنده‌تر و توزیع عادلانه‌تر منابع توسعه خواهد بود (اعزازی کوهساره، ۱۳۹۴: ۶۵).

به‌طورکلی می‌توان گفت که توسعه‌ی هر کشور در گرو به‌کارگیری صحیح عوامل مؤثر در آن است. زنان نیز به عنوان نیمی از منابع انسانی نه‌تنها موضوع توسعه هستند، بلکه اهرم مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آیند. بنابراین آموزش زنان سهم زیادی در توسعه‌ی کشور خواهد داشت.

بنابراین می‌توان گفت تحقق حق بر آموزش زنان، ارزش و کرامت انسانی ایشان را تعالی خواهد بخشید و موجبات تحکیم بنیان خانواده و توسعه جامعه را فراهم خواهد آورد. البته در اصل ۲۱ قانون اساسی دولت موظف شده است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید که نشانگر اهمیت احیای حقوق مادی و معنوی از جمله حق بر آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد (همان: ۶۶).

حق آموزش در اسناد حقوق بین‌المللی اسلامی

در منابع دینی در باب اهمیت تعلیم و تعلم بسیار سخن رفته تا جایی که این شیوه‌ی تربیت و آموزش به‌عنوان یکی از متعالی‌ترین اهداف انبیاء شمرده‌شده است (شعبانی، ۱۳۸۶: ۸۴)؛ و از دیدگاه قرآن نیز شخص متصف به وصف علم دارای برتری است و جایگاه شایسته‌ای دارد. این اهمیت تا بدانجاست که حتی گزینش‌ها در اسلام تحت‌الشعاع میزان تربیت افراد قرارگرفته است (توحیدی، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

یگانه راه حصول به درجات بالای انسانی و معنوی، تعلیم و تربیت نفس آدمی است. به همین دلیل است که انبیاء، مهم‌ترین هدف خود را جد و جهد در این زمینه می‌دانسته‌اند، زیرا رهایی از جهل کاملاً از تعلیم و تعلم اثر می‌گیرد. بر طبق آیات متعدد قرآن کریم تعلیم و تربیت اساس بعثت پیامبر بوده است و این تأکید در شرایطی است که اسلام تمام افراد انسانی را از هر خانواده و قشری که باشند قابل تربیت دانسته و معتقد است اصول فضایل و ارزش‌های انسانی در ضمیر و سرشت هر انسانی به ودیعه نهاده شده است (شعبانی، ۱۳۸۶: ۸۵).

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در اسلام نیز به‌تبع توصیه‌هایی که دین مبین اسلام در زمینه‌ی تحصیل علم داشته است موادی را به تأکید بر مبانی این حق اختصاص داده است.

حق بر آموزش در کنفرانس اسلامی حقوق بشر در اسلام (قاهره) در ماده‌های ۲؛ ۱۱ و ۱۲ ذکر گردیده است.

ماده دوم در بند ب این سند بیان می‌دارد:

دولت باید حق هر انسان را برای یک زندگی باکرامت که کفایت او و اشخاص تحت کفالت او را تحقق ببخشد، ضمانت نماید. موضوع این حق، خوراک و پوشاک، مسکن، تعلیم و تربیت، معالجات و دیگر نیازهای اساسی را شامل می‌شود. همچنین در ماده هفتم در بند الف بیان می‌دارد که:

- زن در کرامت انسانی، با مرد مساوی است.

ماده یازدهم بیان می‌دارد که «هر کودکی از هنگام تولد، بر پدران و جامعه و دولت حق حضانت و تربیت و رعایت بهداشتی و مادی و معنوی دارد. هم‌چنین، حمایت مادر و جنین و بذل عنایت مخصوص بر آن دو واجب است».

ماده دوازدهم بند الف بیان می‌دارد که «طلب علم بر هرکسی که توانایی آن را داشته باشد، واجب است. تعلیم انسان‌ها بر دولت و جامعه تکلیف است، بنابراین بر دولت و بر هرکس از فرد و جامعه‌ای که توانایی دارند، تأمین طرق و وسایل تعلیم را آماده ساختن واجب است. هم‌چنین واجب است بر آنان، تضمین تنوع تعلیم، به طوری که مصالح جامعه را برآورد و معرفت دین اسلام و حقایق عالم هستی و تصرف معقول در آن حقایق را به سود بشریت امکان‌پذیر سازد. این حق، «حق توجیه صحیح ذهن و فکر بشری» نامیده می‌شود».

همچنین در ماده ۱۲ بند ب اشاره می‌کنند که: هر انسانی، نسبت به مؤسسات مختلف تربیت و توجیه- از خانواده گرفته تا مدرسه و دانشگاه و وسایل رسانه‌های گروهی و غیر آن – حق دارد تا او را از جهت کمالات دنیوی و دینی تربیت نمایند. این تربیت تا به آن اندازه باید هماهنگ و تکاملی باشد که شخصیت انسان را برویاند و ایمان او به خدا و احترام به حقوق و تکالیف را تشدید و تکمیل کند. قطعی است اجرای حق تعلیم و تربیت، معرفت حقوق اصلی چهارگانه دیگر (حق حیات، حق کرامت، حق آزادی مسئولانه و حق مساوات) را نیز به ثمر می‌رساند این حق، «حق تربیت توجیهی» یا «توجیه تربیتی» نامیده می‌شود.

از ملاحظه‌ی بندها و موادی که در قانون اساسی نسبت به آموزش‌وپرورش در فصل گذشته و اسناد حقوق بین‌المللی اسلامی در این فصل بیان شده است نکاتی چند قابل استخراج است که دولت اسلامی باید نسبت به آن‌ها توجه نماید.

۱- در ضمن اینکه وسایل و محیط آموزشی رایگان باید توسط دولت مهیا شود، شرایط باید به‌گونه‌ای باشد که هیچ‌کس از هیچ قشری به دلیل فقر و ناداری از نعمت دانش‌اندوزی بی‌بهره نماند. دولت باید برای حمایت از اقشار ضعیفی که توان پرداخت هزینه‌های مدارس خصوصی را ندارند امکان تحصیل رایگان را فراهم آورد، از سوی دیگر این فضاهای آموزشی باید دارای شرایط صحیح ایمنی، بهداشتی و استانداردهای پذیرفته‌شده باشند.

۲- مربیان و معلمانی که با این مراکز مرتبط‌اند باید از حد اعلای صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و دیگر استانداردها برخوردار باشند.

۳- محتوای آموزشی باید با اهداف عالیه‌ی اسلامی و قانون اساسی کاملاً منطبق باشد.

۴- همچنین دولت موظف است که فضای آموزشی لازم و سایر امکانات، نظیر استاد، آزمایشگاه، منابع تحقیقات و ... را برای سطوح آموزش عالی فراهم نماید تا هر کس که مستعد برای حضور در مقاطع بالاتر و تحصیل مراتب علمی ویژه است بتواند به این مرتبه دست یابد و دولت نیز از دانش این فرد در راستای خودکفایی کشور استفاده نماید.

ماهیت تعهد دولت در قبال حق بر آموزش

تعهدات دولت در قبال حق بر آموزش به ماهیت نوع حق بر می‌گردد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ماهیت «حق بر آموزش» حق مثبت است یا حق منفی؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که حق‌ها را از جهت ماهیت تعهد متناظر آن می‌توان به دو قسم تقسیم نمود. اول حق منفی و دوم حق مثبت. ایده مبنایی چنین تفکیکی این است که حق منفی با خودداری از انجام عملی و حق مثبت با انجام عملی محقق خواهد شد. لازمه حق منفی تکلیف و تعهد به عدم انجام عملی و لازمه حق مثبت، تعهد به انجام عملی خواهد بود. اهمیت این تفکیک از نظر اخلاقی در تفکیک بین انجام و عدم انجام عمل است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۳۰).

به عبارت دیگر می‌توان گفت حق منفی یا همان آزادی و رهایی است و تعهد متقارن آن عبارت است از عدم‌مداخله در مقابل حق مثبت تعهدی ایجابی را بر می‌انگیزد که همان مداخله حمایتی و ایجابی است. برای اینکه ببینیم حق بر آموزش حق مثبت است یا حق منفی لازم است جایگاه حق بر آموزش در نسل‌های حقوق بشری مشخص شود.

حقوق بشر امروزی تاکنون سه نسل مشخص را به‌صورت تکاملی سیر نموده است. نسل اول حقوق بشر که همان حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی است. حق‌هایی از قبیل آزادی بیان، آزادی اجتماعات و تشکل‌ها، آزادی رفت‌وآمد، حق رأی و انتخاب محل اقامت را شامل می‌شود. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان حق‌های متعلق به نسل دوم حقوق بشر طبقه‌بندی می‌شوند که حق بر آموزش‌وپرورش، حق بهره‌مندی از مسکن مناسب، حق برخورداری از سلامتی، حق بر کار، حق بهره‌مندی از حداقل امکانات معیشتی، مثال‌های این نسل از حقوق بشر هستند. نسل سوم حقوق بشر هم که از آن به حقوق همبستگی یاد می‌شود، حق‌هایی مانند حق بر صلح، حق بر توسعه و حق بر محیط‌زیست سالم را شامل می‌شود. همان‌طوری که ملاحظه گردید حق بر آموزش از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حقوق بشر محسوب می‌شود و نیازمند وسیله و امکانات مادی است؛ بنابراین می‌توان گفت حق بر آموزش حقی است مثبت که دخالت و حمایت دولت‌ها را می‌طلبد. از سوی دیگر شهروندان در چارچوب همین حق مثبت باید از آزادی انتخاب برخوردار باشند. برای نمونه حق والدین و یا اقلیت‌ها بر انتخاب نحوه و یا محتوای آموزش، در واقع آزادی آن‌ها در انتخاب است. این حق منفی تنها با عدم‌مداخله تحدیدی دولت در کنار مداخله حمایتی دولت محقق خواهد شد. از همین رو باید گفت حق بر آموزش ماهیتی دوگانه دارد، از یک‌سو حقی مثبت است و از سوی دیگر حقی است منفی، از سویی مداخله حمایتی دولت را می‌طلبد و از سوی دیگر منع مداخله تحدیدی دولت را (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۲۵۴).

برخی نویسندگان بین تعهد به‌وسیله و تعهد به نتیجه تمایز قایلند و قایلند به اینکه «منظور از تعهد به‌وسیله آن است متعهد در حد امکانات موجود و (در حقیقت) در حد توان، متعهد به تدارک حق ذی‌حق خواهد بود. برخلاف تعهد به نتیجه که متعهد مکلف به تدارک حق ذی‌حق می‌باشد، این تکلیف و تعهد قطعی بوده و مقید به امکانات موجود نیست. مفهوم تعهد به نتیجه خوبی در برخی از اسناد بین‌المللی حقوق بشر منعکس‌شده است. برای مثال ماده دوم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کشورهای عضو را در به‌کارگیری سعی و اهتمامشان با استفاده از حداکثر منابع موجود، به‌منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته‌شده در این میثاق می‌داند. بر خلاف این میثاق بین‌المللی، میثاق حقوق مدنی، سیاسی در ماده خود کشورهای عضو را بدون قید «امکانات موجود»، به تضمین حقوق مطرح در میثاق مکلف می‌نماید (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۲۲۵-۲۲۴).

ماهیت تعهد دولت‌ها در قبال حق بر آموزش «تعهد به نتیجه» یا «تعهد به‌وسیله»؟

با عنایت به مقررات بین‌المللی می‌توان گفت حق بر آموزش ماهیت خاص خود را دارد. این حق از یک‌سو تکلیفی به فراهم آوردن فرصت‌های آموزش برابر برای همه در حد توان و امکانات هر کشور را به بار آورده است و از دیگر سو دول عضو جامعه بین‌المللی را مکلف ساخته است تا دو تعهد به نتیجه را هم بر دوش داشته باشند و تحقق آن را تضمین کنند. نخست آنکه آموزش‌های ابتدایی و اساسی رایگان باشند و آموزش‌های ابتدایی حتماً اجباری باشد، بدان مفهوم که دولت‌ها اطمینان حاصل کنند هیچ کودکی از این آموزش‌ها محروم نگردد. دومین تکلیف به تضمین نتیجه مربوط است به ماهیت آموزش؛ به‌موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشری و نیز منشور ملل متحد، هیچ تردیدی نیست که دولت‌ها تعهدی آمره دارند که ماهیت آموزش‌ها فارغ از تعصب، تبعیض و خشونت باشد و نیز صلح، دوستی مدارا میان اقوام و ملل ترویج شود و از همه مهم‌تر «حقوق بشر» آموزش داده شود؛ بنابراین این‌گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مرتبت و منزلت حق بر آموزش در سلسله‌مراتب میان قواعد حقوق بین‌المللی دارای یک وضعیت خاص خود است. بدان معنا که از یک‌سو نمی‌توان بر این مدعا دلیل آورد که حق بر آموزش یکسره (مانند حق بر مصونیت از شکنجه) دارای وصف آمره است؛ اما از سوی دیگر می‌توان استدلال کرد که تکلیف دولت‌ها به تدارک آموزش ابتدایی رایگان برای همه، فارغ از هرگونه تبعیض و فارغ از آموزش‌های تعصب‌آمیز و مروج تنفر و خشونت، هم یک تعهد به نتیجه و هم تکلیفی آمری در

مفهوم ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق معاهدات است. هرگونه توافق دولت‌ها برخلاف این تکلیف باطل و بی‌اثر است. البته مراد از آمریت قاعده در این مقام تأکید بیشتر بر اهمیت و شناخت منزلت این حق در میان سلسله قواعد حقوق بشر بین‌المللی است (نیاورانی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه‌شده می‌توان گفت که اصل «حق بر آموزش» که از حقوق طبیعی هر فردی محسوب می‌شود و در هیچ موقعیتی نباید از انسان سلب شود تعهد به نتیجه است و دولت بدان هیچ‌گونه تبعیضی باید نسبت به تحقق آن اقدام نماید ولی حق بر آموزش رایگان که نیازمند وسایل و امکانات جهت تحقق آن می‌باشد تعهد به وسیله است.

جدول ۱. مقایسه تطبیقی حق بر آموزش در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بین‌المللی اسلامی

حق بر آموزش	نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران	اسناد حقوق بین‌المللی اسلامی
حق آموزش	ماده ۱۰۴ منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵؛ و بند ۳ اصل سوم و اصل سی‌ام قانون اساسی ماده ۱۰ قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش‌وپرورش– مصوب ۱۳۶۶- اساسنامه نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران – مصوب ۱۳۶۳ – قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری – مصوب ۱۳۸۳ منشور حقوق شهروندی ماده ۱۰۸ و سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش– مصوب ۱۳۹۰- شورای عالی انقلاب فرهنگی، ماده ۲۹ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک – مصوب ۱۳۷۲ و ...	کنفرانس اسلامی حقوق بشر در اسلام (قاهره) در ماده‌های ۲؛ ۱۱ و ۱۲

با توجه به جدول (۱) مشخص می‌گردد که حق بر آموزش در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران از مقام و ارزش بالاتری نسبت به اسناد حقوق بین‌المللی اسلامی برخوردار است؛ و می‌توان از حق بر آموزش در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان راهکاری در نگاشتن و بهبود اسناد حقوق بین‌المللی اسلامی استفاده کرد.

منابع

قرآن کریم
اعزازی کوهساره. (۱۳۹۴). **حق بر آموزش از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ اول، انتشارات دانشگاه محقق اردبیلی.
توحیدی، احمدرضا. (۱۳۸۵). **تأملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، قم، نشر معارف.
شعبانی، قاسم. (۱۳۸۶). **حقوق اساسی و ساختار حکومت اسلامی**، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ بیست و هشتم.
شیخی، محمد تقی. (۱۳۸۰). **جامعه‌شناسی زنان و خانواده**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
فلسفی، نصرت الله. (۱۳۹۵). **حق بر آموزش در حقوق بین الملل و حقوق ایران**، چاپ اول، انتشارات جنگل، جاودانه.
قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۸۰). **تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر**، حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴.
قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۸۸). **حقوق بشر در جهان معاصر**، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
نیاورانی، صابر. (۱۳۸۹). **دولت ها مکلف به آموزش حقوق بشر هستند**، ماهنامه مهرنامه، سال اول، شماره ۷.

قوانین

منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ قابل دسترسی در
https://media.president.ir/uploads/ads/١٤٨٢١٤٢٠٤٤٦٢٠٩٣٥٠٠.pdf
قانون اساسی قابل دسترسی در https://www.shora-gc.ir/files/fa/news/١٣٩٨/٩/٢١/٤٣٥٤_٢٣٦.pdf
قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش‌وپرورش مصوب ۱۳۶۶ قابل دسترسی در https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/٩١٤٨٢
اساسنامه نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳ قابل دسترسی در
https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/٩٠٩٠٨
قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳ قبل دسترسی در
https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/٩٤١٧٢
سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش مصوب ۱۳۹۰ قابل دسترسی در https://sccr.ir/Files/٦٦٠٩.pdf
قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲ قابل دسترسی در
https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/٩٢٣٧٤
کنفرانس اسلامی حقوق بشر در اسلام (قاهره) قابل دسترسی در
https://handwiki.org/wiki/Philosophy:Cairo_Declaration_on_Human_Rights_in_Islam